

نیاز مؤمن به اطمینان قلب، یک احتیاج مبرم برای نقش آفرینی در عرصه‌های بزرگ حیات دینی است. فرقی هم نمی‌کند این مؤمن یک مؤمن عادی باشد یا مؤمنی در جایگاه پیامبری و رسالت باشد؛ در هر مرتبه‌ای از ایمان، نیاز به اطمینان قلب یک نیاز حیاتی و پیش‌برنده است. یکی از اساسی‌ترین کارکردهای ایام‌الله برای جامعه ایمانی، حصول اطمینان قلب است تا مؤمنان بتوانند ادامه مسیر را با گام‌های مستحکم‌تری بردارند.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۸۷۳ / دوشنبه ۷ بهمن ماه ۱۳۹۸

## ۱۰ ویژگی مجلس قوی

**رسالت:** ملت ایران فقط در سایه اقتدار ملی و تحکیم مبانی امنیت ملی می‌تواند در برابر تجاوزات روزافزون و نیز زیاده‌خواهی‌های آمریکا بایستد. انتخابات و حضور گسترده مردم در پای صندوق‌های رأی و تحکیم مشروعیت مردمی نظام همواره طی ۴۰ سال گذشته چون خاری در چشم دشمنان اسلام و ایران بوده است. طبیعی است هر قدر مشارکت مردم در انتخابات بالاتر رود، دشمن ناامیدتر و در رسیدن به اهداف خود مأیوس‌تر می‌شود.

ایران قوی نیاز به «مجلس قوی» دارد. مجلسی که پاسدار حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی باشد، مجلسی که متضمن استقلال و اعتلای کشور و حقوق واقعی ملت باشد. مردم باید بدانند مجلس قوی چه ویژگی و مختصاتی دارد. ۱- مجلس قوی، مجلسی است که نمایندگان آن پاکدست، پاسخگو و انتقادپذیر باشند.

۲- مجلس قوی، مجلسی است که نمایندگان خود را همراز و همزاد مردم بدانند و در روز حادثه روی حمایت مردم حساب کنند و نمایندگان آن در دسترس مردم باشند. ۳- مجلس قوی، مجلسی است که وامدار کسی جز وامدار مردم نباشد و در مبارزه با فساد در هر رده و هر مرتبتی تردید نکند. ۴- مجلس قوی، مجلسی است که در برابر مسئله‌سازی‌های آمریکا و دشمنان اسلام بایستد و مسئله‌حل‌کن باشد نه مسئله‌پاک‌کن، ظرفیت‌سازی کند و هر تهدیدی را به فرصت برای قوی شدن ایران تبدیل نماید. ۵- مجلس قوی، مجلسی است که نمایندگان آن در انجام وظایف و کالت، امانت و تقوی را رعایت کنند و به خدمت کردن به مردم پایبندی نشان دهند. ۶- مجلس قوی، مجلسی است که نمایندگان آن ساده‌زیست باشند و زندگی آنها مثل زندگی طبقه محروم و متوسط جامعه باشد و از اشرافی‌گری فاصله بگیرند. ۷- مجلس قوی، مجلسی است که آرمان‌گرا و آینده‌نگر باشد و نمایندگان آن صبور، شکور و پراستقامت، احیاگر ارزش‌های اسلامی در جامعه باشند و با کار جهادی، موانع پیشرفت کشور را از سر راه بردارند. ۸- مجلس قوی، مجلسی است که با اتکاء به خداوند متعال و نیز با حساب‌آوری جوانان و نیروهای انقلابی، در مسیر پدیداری تمدن نوین اسلامی حرکت کند. ۹- مجلس قوی، مجلسی است که با هوشمندی در برابر تهاجم فرهنگی دشمن بایستد و در مسیر تعمیق و گسترش اخلاق اسلامی و احیاء فرهنگ جهادی در جامعه حرکت کند. ۱۰- مجلس قوی، مجلسی است که نماد شرافت ملی باشد و به طور خستگی‌ناپذیر با فقر و فساد و تبعیض مبارزه کند و یک زندگی پاک و شرافتمندانه را برای مردم به ارمغان بیاورد.

## دیوانگی و فاز بدتر از آن

**کیهان:** ۱- هنوز پیکر مطهر پیامبر اعظم (ص) بر زمین بود که برخی همراهان ناهمدل درباره جانسین الهی او اختلاف به راه انداختند و دل زهرای مرضیه سلام الله علیها را به درد آوردند. ۲- فرض محال که محال نیست. تصور کنید پس از جنایت اردوگاه یزید، آقای ظریف، کاروان اهل بیت (ع) را هنگام عزیمت به کوفه و شام همراهی می کرد. هنوز پیکر مطهر شهیدان بر زمین بود و اهل بیت، عزادار. در این میان، یکی از ناظران آن جنایت بزرگ، از آقای ظریف می پرسید «آیا شما بعد از این قتل، امکان مذاکره با یزید را منتفی می دانید؟» و پاسخ می شنید «خیر. من هرگز این احتمال را منتفی نمی دانم که افراد، رویکرد خود را تغییر دهند و واقعیات را بپذیرند. برای ما فرقی نمی کند که چه کسی در کاخ کوفه یا شام (سفید) حضور دارد. آنچه اهمیت دارد، چگونگی رفتار آنهاست. دولت یزید (ترامپ) می تواند گذشته خود را اصلاح کند، تحریم ها را بردارد و به میز مذاکره برگردد. ما هنوز در میز مذاکره باقی مانده ایم. آنها طرفی هستند که میز مذاکره را ترک کرده اند. ما شکیبایی زیادی داریم!» آیا چنین سخنانی، چیزی جز نمک پاشیدن بر داغ جراحت وارده از جانب جنایتکاران محسوب می شد؟ ۳- هنوز چند هفته از جنایت آمریکا و شهادت سردار سپهد حاج قاسم سلیمانی نگذشته که ابتدا آقای روحانی و سپس آقای ظریف، پالس مذاکره به قاتلان آن شهید می فرستند؛ و حال آن که پیشاپیش، اعتماد دوباره به شیطان بزرگ را «دیوانگی» خوانده اند. بی تردید نتیجه این رفتار و گفتار، تشویق جنایتکاران به تحریم و ترور و جنایت بیشتر است. چرا چنین پالس های خطرناکی ارسال می شود و با توهین طرف مقابل مواجه می گردد؟ کدام مشورت مسمومی چنین القا کرده که خط قرمز، «عدم مذاکره» است و باید به هر قیمت بر مذاکره با آمریکا تاکید کرد؟ جرم آمریکا قبلا این بود که توافق را زیر پا گذاشته بود و با این وجود، دولت ما به انجام یکطرفه تعهدات، ۲۰ ماه پس از خیانت آمریکا و اروپا ادامه می داد. آن زمان می شد گفت آمریکا تحریم ها را جبران کند تا بتواند به جمع ۵+۱ در برجام (و نه مذاکره برای دادن امتیاز جدید از سوی ایران) برگردد. اما اکنون به خیانت آمریکا، جنایتی بی سابقه در حد ترور «فرمانده مبارزه بین المللی با تروریسم» افزوده شده و دشمن در اقدامی خباثت آلود، فرمانده ارشد نیروی دفاعی ما را ترور کرده است. در اینجا آقای ظریف بیجا تر از بیجا مرتکب شده می گوید آمریکا اگر تحریم ها را بردارد، ما آماده مذاکره دوباره هستیم! پس تکلیف غیرت و شرافت و عزت چه می شود؟ ترامپ و تیمش باید چه استنباطی از این ادبیات بکنند؟ ۴- قرار است دنیا ترامپ را بشناسد که اهل تعهد و مذاکره نیست؟ اینکه از اردیبهشت پارسال برای دنیا یقینی شده و اکنون همین فرد و تیمش، صراحتا می گویند ژنرال سلیمانی را در کشوری که مهمان رسمی اش بوده، ترور کرده اند. چرا وزارت خارجه یا معاون حقوقی ریاست جمهوری به تعقیب کیفری تروریست ها و اقامه دعوا علیه آنها در محاکم بین المللی نمی پردازد؟ شرم آور نیست که برای چندمین بار دیپلماسی التماسی پیشه کنند؟ آقای ظریف را نه فقط به نیویورک (برای شرکت در نشست سازمان ملل)، بلکه به سوئیس (نشست داووس) هم راه ندادند تا خاطره تلخ دریغ کردن از یک باک بنزین در مونیخ آلمان تکرار شود؛ با این وجود چرا اصرار دارند خود را بفریبند؟ ۵- سراب اعتماد و رفاقت با شیطان بزرگ، نه با ترور شهید سلیمانی یا خروج ترامپ از برجام، بلکه در دولت اوباما با تحریم های ویزایی، تهدید طرف های همکاری ایران و تمهید تحریم های کاتسا و آيسا به پایان رسید. اما آقای روحانی و ظریف گویا نمی خواهند چشم بگشایند و ببینند سرگرم رویاندیشی در بحبوحه جنگ همه جانبه دشمن بوده اند. اما چرا؟ آیا آن چند ده میلیون نفری که در تشیع دشمن شکن پیکر شهید سلیمانی به خیابان ها آمدند، جز عزت و اقتدار و انتقام، مطالبه دیگری از دولتمردان داشتند.

## پدیده‌ای یکتا در جهان امروز

**جوان:** فشار حداکثری کاخ سفید علیه مردم ایران در ماه‌های اخیر اگرچه مصائب و مشکلاتی را بر مردم و نظام جمهوری اسلامی تحمیل کرده است، ایستادگی مردم ایران در برابر این فشارهای متنوع اقتصادی و سیاسی و حتی تهدید نظامی، ضمن اثبات ناکارآمدی این استراتژی خود به بستری برای شکوفایی انقلاب و رونمایی از بسیاری از ظرفیت‌های نهفته آن تبدیل شده است. اکنون که انقلاب اسلامی وارد چهلمین سال دوم از عمر بابرکت خود شده است، پویایی و سرزندگی انقلاب را به‌رغم فشارها و تهدیدات دشمنان در عرصه‌های مختلف می‌توان دید: حضور ده‌ها میلیون ایرانی در مراسم تشییع زنده‌بودن انقلاب را به رخ جهانیان کشید. این حضور تمامی تبلیغات و باورهای شکل گرفته در ذهن دشمن در رابطه با مردم ایران و شکاف ادعایی در میان آنان با نظام را به هم ریخت. و نشان داد که انقلاب اسلامی به دلیل ابتنا به ارزش‌های ناب اسلام و فرهنگ عاشورا به‌رغم سی سال تهاجم فرهنگی و جنگ نرم دشمن از ظرفیت‌های بالقوه و درون‌زا برای پالایش ضعف‌ها و آسیب‌ها و مقابله با تهدیدات فرهنگی دشمن برخوردار است. هنگام شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، انقلابیون ایران هیچ الگوی تحقق‌یافته از یک نظام اسلامی را در جهان نداشتند، اما اکنون نظام جمهوری اسلامی آنگاه که قابلیت و کارآمدی خود را در برابر بی‌نظیرترین فشارها و تحریم‌های تاریخ جهان اثبات کرده و از مسیر اصلی انقلاب و اسلام خارج نشده است، موج گسترش تفکر انقلاب و گفتمان امام، جهان را تحت تأثیر قرار داده و ظهور و درخشش سرپنجه‌های مقاومت در منطقه را در پی داشته که هر یک همچون یک قدرت منطقه‌ای که شکست‌های متعددی را بر امریکایی‌ها و صهیونیست‌ها و سعودی‌ها و دیگر متحدان استکبار جهانی در منطقه وارد کرده و موجودیت خود را در جهان امروز تثبیت کرده‌اند. به لحاظ اقتصادی اگرچه ممکن است کشور با ضعف‌ها و کاستی‌هایی مواجه باشد که بعضاً ناشی از تحریم‌ها و یا ضعف دستگاه‌های اجرایی در عدم اتکا به ظرفیت‌های داخلی و یا امید بستن به قدرت‌های غربی است، اما برآیند حرکت کشور در این چهل سال با هیچ کشوری در جهان قابل‌مقایسه نیست، چراکه به‌رغم پیشرفت‌های برخی از کشورها در شرق آسیا که ناشی از سرمایه کشورهای غربی و انتقال فناوری و خدمات مستشاری آن‌ها است، ایران در این چهل سال از این کم‌ها محروم بوده و دستاوردهای کنونی کشور در عرصه‌های صنعتی و علمی و هسته‌ای، فضایی و... همه در اوج فشارها و تحریم‌ها به‌دست آمده است و این امر نشان‌دهنده قابلیت‌ها کارآمدی نظام دینی است. عدم انحراف از مسیر اصلی انقلاب و تکیه بر گفتمان اسلام ناب و فرهنگ عاشورا در طول ۴۰ سال گذشته، به‌رغم تهاجم فرهنگی و جنگ نرم دشمنان بیرونی و خیانت‌های عوامل داخلی، یکی دیگر از شاخصه‌های انقلاب اسلامی است که آن را از همه انقلاب‌ها و نظام‌های سیاسی دوران معاصر متمایز می‌کند. این ویژگی سبب شده است که پدیده انقلاب ظرفیت گفتمان‌سازی و جذب خود را در میان مسلمانان و مستضعفان جهان همچنان حفظ کرده و الهام‌بخش باشد. همت و اراده ملی برای ایستادگی و قوی‌تر شدن عامل و عنصر اصلی استمرار این راه است که به‌رغم گذر نسلی در میان اکثر مردم ایران زنده است، رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه روز ۲۷ دی ماه به‌درستی آینده روشن نظام را مبتنی بر این شاخصه‌ها ترسیم نموده و یادآور می‌شوند: این ملت عزیز و این کشور عزیز به فضل الهی قوی‌تر نیز می‌شوند، نه‌تنها در بُعد نظامی بلکه در ابعاد اقتصادی و جهش علمی و فناوری که پشتوانه تحقق این هدف، حضور و صبر و استقامت ملت در صحنه و تلاش و کوشش بی‌وقفه مسئولان و مردم است. رهبر انقلاب افزودند: به فضل الهی، این ملت و کشور در آینده‌ای نه‌چندان دور به نقطه‌ای می‌رسد که دشمنان حتی جرئت تهدید او را هم پیدا نکنند.

عراق بین دو انقلاب؛ و آزمون تاریخی مرجعیت شیعه

**فارس:** تاریخ عراق مدرن سرشار از جنبش های اجتماعی اعتراضی است و از اینرو می توان عراق مدرن را عراق اعتراضات دانست. از آن زمان که پس از فروپاشی عثمانی، قدرتهای استعماری آن روز یعنی انگلستان و فرانسه که قبلا از سال ۱۹۱۶ پیمان استعماری سایکس-پیکو را بسته بودند، با تقسیم ارثیه عثمانی که به آن مرد بیمار اروپا می گفتند، نطفه دولت-ملتهای ساختگی منطقه را شکل دادند و یکی از این دولتهای ملی، عراق بود. عراقی که متشکل از سه استان عثمانی بود: موصل، بصره و بغداد. این دولت-ملت جدید که مانند بقیه کشورهای نفت خیز منطقه سهم بریتانیا شده بود، جمعیتی ناهمگون به لحاظ قومی و مذهبی داشت و تقاطع قومیت های کرد و عرب و ترکمان از سویی و همچنین شیعه و سنی و ایزدی و مسیحی از سویی دیگر، ترکیبی را بوجود آورده بود که اداره آن تا حد زیادی برای بریتانیا دشوار می نمود. انقلاب ۱۹۲۰ همچون همه جنبش های اجتماعی کلاسیک بر سه محور استوار بود: کنشگران، ایدئولوژی و زمینه اجتماعی. در حوزه کنشگران؛ سه جزء ذیل قابل بررسی و تمایز هستند: رهبری جنبش (که با علما و مراجع تقلید بود)، توزیع کنندگان (که علمای رده پایین تر بودند)، و قاعده هرم (که توده های مردم عراقی بودند). ایدئولوژی جنبش ۱۹۲۰ اسلامی بود و زمینه اجتماعی نیز اشغالگری و مصائب آن. در این جنبش، نقش علما و رهبری آنان بی نظیر بود. این یکی از نخستین برهه هایی بود که علمای شیعه بصورت تمام عیار به کنشگری سیاسی می پرداختند، و البته نتیجه این کنشگری بسیار درخشان بود و در تاریخ تشیع و جهان به ثبت رسید. انقلاب ۲۰۲۰ اما، با انقلاب قبلی تفاوت هایی دارد. این انقلاب اگرچه در همان زمینه کلی قبلی یعنی ضدیت با اشغالگری اتفاق می افتد و از آبخشور ایدئولوژی اسلامی سیراب می شود، اما در سطح کنشگران آن اتفاقی شگرف رقم خورده و تفاوتی بنیادی با نوع قبلی دارد. در اینجا شاهد این هستیم که علمای میانی که بطور سنتی در جنبش های اجتماعی عراق نقش توزیع کننده را داشته اند، در خلا رهبری علمای بزرگ به میدان آمده و در نقش رهبری قرار گرفته اند. تقریبا هیچ یک از مراجع سه گانه بزرگ در عراق، نقشی در راهپیمایی اخیر نداشتند و این یعنی آزمونی سخت برای علمای عراقی در این برهه حساس تاریخی، چرا که علمای شیعه در طول تاریخ عراق، سردمدار جنبش های اعتراضی بوده اند.

